

درس خارج فقه استاد حمید درایتی

جلسه نود و سوم، ۱ اسفند ۱۴۰۰

موضوع: کتاب الشركة/ شرکت تعاونی /تطبیقات فقهی

بعد از شناسایی دو نوع قرارداد در شرکت های تعاونی (قرارداد فی ما بین مؤسسين و دولت - قرارداد فی ما بین مؤسسين و یکدیگر یا سایر اعضا) باید به بررسی تمام مختصات و الزامات قانونی آن پردازیم و بررسی کنیم که کدامیک باید به صورت شرط ضمن عقد تصحیح شود:

۱- حداقل اعضا يك شرکت تعاونی نباید کمتر از هفت نفر باشد اما حداکثر اعضا براساس نسبت سرمایه و نوع فعالیت و... تعیین می شود — [1] این ماده قانونی می تواند به صورت شرط ضمن عقد در قرارداد بین مؤسسين و دولت ملاحظه شود و مانعی از صحت آن وجود ندارد. باید توجه داشت که اگرچه اصل شركة العقدية يك عقد جائز است اما شروط ضمن عقد جائز مادی که عقد فسخ نشود، لزوم وفاء و التزام خواهد داشت.

۲- اشخاص حقوقی دولتی نمی توانند به عضویت شرکت های تعاونی درآیند اما عضویت سایر اشخاص حقوقی نظیر اشخاص حقیقی بلامحذور است — [2] این ماده قانونی نیز می تواند به صورت شرط ضمن عقد در قرارداد بین مؤسسين و دولت ملاحظه شود و مانعی از صحت آن وجود ندارد همچنان که بر اساس پذیرش شخصیت حقوقی در فقه، شراکت آن با شخص حقیقی علی القاعده باید صحیح باشد.

۳- حق عضویت در شرکت تعاونی منوط بر عدم عضویت در شرکت تعاونی مشابه است — [3] این ماده قانونی نیز می تواند به صورت شرط ضمن عقد در قرارداد بین مؤسسين و دولت ملاحظه شود و مانعی از صحت آن وجود ندارد هرچند که اساساً عضویت در چند شرکت تعاونی مشابه از منظر فقه بلا اشکال است.

۴- هریک از اعضا شرکت تعاونی می تواند از شرکت تعاونی خارج شود و کسی حق منع او را ندارد هرچند که خروجش از شرکت منوط بر اعلان کتبی سابق (شش ماه قبل از خروج) است و در فرضی که این خروج موجب متضرر شدن شرکت شود، ملزم به جبران خواهد بود — [4] این ماده قانونی از آثار جائز بودن قرارداد فی ما بین مؤسسين و سایر اعضا از منظر قانون گذار است و نیازی به اشتراط آن در ضمن عقد نخواهد بود همچنان که جبران ضرر های حادث نیز برآمده از قاعده لاضرر می باشد.

۵- در سه مورد عضو شرکت تعاونی از شرکت اخراج می شود: زوال شرائط عضویت - [5] عدم رعایت اساسنامه و سایر تعهدات بعد از سپری شدن اخطارهای لازم - ارتکاب اعمال زیان آور و غیر قابل جبران نسبت به شرکت — از منظر فقهی هیچ يك از شرکاء حق اخراج یا اجبار شريك دیگر بر خروج از شراکت و تصاحب سهم او را ندارد فلذا اعتبار این ماده قانونی موقوف بر آن است که به صورت شرط ضمن عقد ملاحظه شود و این اشتراط به دو صورت قابل تصویر است:

- شرط فعل باشد — براساس شرط فعل و التزام به خارج شدن از شرکت در فرض یکی از سه مورد، صرفاً خروج بر عضو خاطی و فروش سهم خود به سایر شرکاء یا شخصیت حقوقی شرکت، واجب شرعی خواهد بود اما مستلزم حکم وضعی (اخراج و تملك سهم) نبوده و تخلف از آن و اصرار بر بقاء ممکن می باشد در حالی که این برخلاف پیش بینی قانون گذار است.
- شرط نتیجه باشد — بر اساس شرط نتیجه صرف تحقق یکی از این سه مورد، عضو خاطی بالتبع از شراکت بیرون خواهد آمد و دارایی او از عین (دارایی خارجی شرکت بنابر عدم پذیرش شخصیت حقوقی در فقه و حصه ای از شرکت بنابر قبول شخصیت حقوقی آن) به دین مبدل می گردد که لازم الأداء می باشد. لازم به ذکر است که با توجه به عدم انحصار تملیک به سبب خاص و صحت اشتراط آن به صورت شرط نتیجه، شرط تملیک عین بازاء دین نیز علی القاعده صحیح خواهد بود. بدیهی است که بر اساس عدم پذیرش شخصیت حقوقی در فقه، اخراج يك عضو بدان معناست که سایر اعضاء مالك سهم او از دارایی خارجی شرکت می شوند اما بنابر قبول شخصیت حقوقی با اخراج عضو، سایر اعضاء مالك سهم او از شرکت تعاونی می شوند که به تبع ملکیت حصه ی بیشتری از شرکت، مالك دارایی خارجی شرکت نیز خواهند شد [6].

---

[1] ماده ۶ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران: حداقل و حداکثر تعداد عضو در تعاونیها به نسبت سرمایه و فرصت اشتغال و نوع فعالیت و رعایت اصل عدم تمرکز و تداول ثروت به وسیله آییننامه های تعیین میشود که به تصویب وزارت تعاون میرسد ولی در هر صورت تعداد اعضاء نباید کمتر از ۷ نفر باشد.

[2] ماده ۸ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران: عضو در شرکت‌های تعاونی شخصی است حقیقی یا حقوقی غیردولتی که واجد شرایط مندرج در این قانون بوده و ملتزم به اهداف بخش تعاونی و اساسنامه قانونی آن تعاونی باشد.

[3] ماده ۹ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران: شرایط عضویت در تعاونی‌ها عبارتست از: ۱ - تابعیت جمهوری اسلامی ایران. ۲ - عدم ممنوعیت قانونی و حجر. ۳ - خرید حداقل سهام مقرر در اساسنامه. ۴ - درخواست کتبی عضویت و تعهد رعایت مقررات اساسنامه تعاونی. ۵ - عدم عضویت در تعاونی مشابه.

[4] ماده ۱۲ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران: خروج عضو از تعاونی اختیاریست و نمی‌توان آن را منع کرد. تبصره ۱ - اعضاء متخصص تعاونی‌های تولید حداقل شش ماه قبل از استعفا باید مراتب را کتباً به اطلاع تعاونی برسانند. تبصره ۲ - در صورتی که خروج عضو موجب ضرری برای تعاونی باشد، وی ملزم به جبران است.

[5] ماده ۹ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران: شرایط عضویت در تعاونی‌ها عبارتست از: ۱ - تابعیت جمهوری اسلامی ایران. ۲ - عدم ممنوعیت قانونی و حجر. ۳ - خرید حداقل سهام مقرر در اساسنامه. ۴ - درخواست کتبی عضویت و تعهد رعایت مقررات اساسنامه تعاونی. ۵ - عدم عضویت در تعاونی مشابه.

[6] أقول: بعید نیست که بر اساس قبول شخصیت حقوقی در فقه، خطاب قانون گذار به اخراج متوجه نفس شرکت خواهد بود و او در قبال اخراج عضو خاطی و پرداخت ما بازاء سهم او از شرکت، مالک بخشی از خود می شود که در نتیجه منجر به افزایش ارزش سهام سایر اعضاء می گردد. اگر گفته شود که لازمه ی این تحلیل، اتحاد بین مبیع و مشتری است (شرکت تعاونی بخشی از خود را می خرد و مالک حصه ای از خود می شود) و بنابر ظهور ادله ی بیع در تمایز سه رکن بایع و مبیع و مشتری، این چنین معامله ای باطل می باشد؛ می گوئیم که لازمه ی قبول شخصیت حقوقی به صورت ملکیت طولی و حق مالکیت او در عین ملک بودنش، همین است که از حیث ملکیت بتواند مبیع واقع شود و از حیث قدرت مالک شدنش بتواند خرید و فروش نماید و گویا همین اختلاف حیثیت در معامله کافی است مانند عبدی که بخشی از خود را با خرید نماید و در نتیجه ارزش سهام دیگران موالی او افزایش پیدا کند (تفاوت شخصیت حقوقی با عبد آن است که او بر خلاف عبد قدرت بر آزادی خویش و رهایی یافتن از بند رقیت را ندارد فلذا خرید حصه ی خود موجب عتق آن حصه نخواهد شد).